

بررسی تمایز مهلت ظهرنویسی تجاری با مدنی اسناد تجاری در حقوق ایران و کنوانسیون‌های ژنو و آنسیترا

اکمال نیک‌فرجام*

استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری،
تهران، ایران

چکیده

یکی از طرق معمول و متداول انتقال مالکیت اسناد تجاری به مفهوم اخص آن، ظهرنویسی است. چنانچه ظهرنویسی مشمول قانون تجارت باشد ظهرنویسی تجاری تلقی می‌شود و اگر خارج از شمول قانون مزبور باشد باید آن را انتقال عادی مبتنی بر انتقال طلب به حساب آورد. در ظهرنویسی تجاری همه امضاکنندگان سند و از جمله آخرین ظهرنویس تحت شرایط قانونی در مقابل دارنده مسئول پرداخت هستند. همچنین با توجه به اصل «عدم توجه ایرادات»، ایراداتی که ممکن است بین امضاکنندگان قبلی و ایادی مستقیم سند قابل طرح باشد در مقابل آخرین دارنده با حسن نیت سند مسموع نخواهد بود. در حالی که در انتقال طلب، منتقل‌الیه قائم مقام ناقل می‌گردد و در صورت عدم پرداخت سند حق مراجعه به او را ندارد و ایراداتی نیز که در مقابل ناقل قابل طرح است نسبت به مشارالیه نیز قابلیت استماع ندارد. حال سؤال این است که ظهرنویسی سند تا چه زمانی تجاری محسوب می‌شود و در چه صورتی انتقال مزبور را باید عادی یا مدنی به حساب آورد؟ اگرچه قانون تجارت ایران در این زمینه ساکت است اما کنوانسیون‌های ژنو و آنسیترا صریحاً یا تلویحاً حکم مسئله را روشن کرده‌اند. نتیجه تحقیق اجمالاً حکایت از آن دارد که اگر سند تا سررسید و حتی بعد از آن و تا قبل از انجام و اخواست یا صدور گواهی عدم پرداخت و یا تا انقضای مدت و اخواست یا صدور گواهی مزبور مورد ظهرنویسی قرار گیرد باید ظهرنویسی را تجاری و مشمول حقوق و تعهدات مندرج در قانون تجارت و کنوانسیون‌های یاد شده دانست، در غیر این صورت انتقال، عادی و باید

*Email: nikfarjam.kamal@gmail.com

تحت مقررات قانون مدنی توجیه گردد. در این مقاله تلاش شده است این موضوع با توجه به اصول حاکم بر مقررات قانون تجارت ایران و کنوانسیون‌های مذکور مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. **واژگان کلیدی:** ظهرنویسی تجاری، انتقال عادی، اسناد تجاری (برات، سفته و چک)، قانون تجارت ایران، کنوانسیون‌های ژنو و آنسیترا

مقدمه

ظهرنویسی از نظر لغت به معنای پشت‌نویسی است و اصطلاحاً وسیله‌ای است که به موجب آن سند تجاری با همه حقوق متعلق به آن به دارنده جدید منتقل می‌گردد، حقوقی که استفاده از آن مستلزم انجام وظایفی است که دارنده سند می‌بایست طبق مقررات قانونی و به موقع نسبت به آن اقدام نماید. طبق ماده ۲۴۷ قانون تجارت، ظهرنویسی ممکن است به دو منظور انجام شود: ظهرنویسی برای انتقال سند و ظهرنویسی جهت وکالت برای وصول مبلغ که در واقع ظهرنویسی غیرانتقالی محسوب می‌شود. البته آنچه در این مقاله مدنظر است ظهرنویسی انتقالی سند می‌باشد.^۱ ظهرنویسی اسناد تجاری به مفهوم اخص که شامل برات، سفته و چک می‌باشد یکی از ویژگی‌های این اسناد است که انتقال و گردش تجاری آن را آسان می‌سازد. در ظهرنویسی مالکیت سند از دارنده به شخص دیگر منتقل می‌گردد^۲، البته باید دانست که انتقال مالکیت اسناد تجاری منحصر به ظهرنویسی مقرر در قانون تجارت با رعایت شرایط مربوط به آن نیست، بلکه انتقال مدنی این اسناد نیز به صورت

۱. در ماده ۲۴۷ قانون تجارت ظهرنویسی غیرانتقالی را منحصر به ظهرنویسی جهت وکالت در وصول مبلغ سند نموده است و اشاره‌ای به ظهرنویسی جهت وثیقه یا تضمین انجام تعهد که مصداق دیگری از ظهرنویسی غیرانتقالی است ندارد. از این رو حقوق دانان تجارت در مورد امکان یا عدم امکان این نوع ظهرنویسی اختلاف عقیده دارند. به نظر می‌رسد این نوع ظهرنویسی را نیز باید پذیرفت زیرا هیچ مغایرتی با مقررات قوانین تجارت و مدنی ندارد. (نیک فرجام، ۱۳۹۱: ۲۱۷ تا ۲۲۲)

۲. مطابق ماده ۱۳ قانون اسناد قابل معامله مصوب ۱۸۸۱ م. برات، سفته و چک اسناد قابل معامله محسوب می‌شوند. در معامله این اسناد، مالکیت سند به دیگری انتقال می‌یابد و منتقل‌الیه دارنده جدید آن محسوب می‌گردد (legislative.gov.in/sites/default/files/1881-26pdf). البته بعضی از نویسندگان حقوقی علاوه بر اسناد مذکور حواله سود سهام، اوراق سهم و اوراق قرضه در وجه حامل را نیز از دیگر مصداق اسناد قابل معامله ذکر کرده‌اند (Dobson Paul, Charlesworth's Business Law, London, Sweet and Maxell Limited, 1997: 497) در قانون تجارت یکنواخت آمریکا (UCC) نیز اسناد مذکور اسناد قابل معامله محسوب می‌شوند. مطابق ماده ۲۰۱-۳ این قانون اگر سند در وجه شخص معین باشد با ظهرنویسی کردن و تصرف آن به وسیله منتقل‌الیه وی دارنده سند محسوب می‌شود ولی چنانچه سند در وجه حامل صادر شده باشد به صرف تصرف، مالکیت آن به متصرف انتقال می‌یابد (Law. cornell' edu/ucc/3/3-201)

قراردادی و یا قهری قابل تصور است؛ مانند انتقال سند با فوت دارنده آن (مورث) به ورثه یا انتقال سند پس از واخواست آن به دیگری. در انتقال مدنی که سند در قالب انتقال طلب به دیگری واگذار می‌گردد، ویژگی‌های انتقال تجاری وجود ندارد. از جمله اینکه انتقال‌دهنده یا ظهرنویس نسبت به پرداخت مبلغ سند در مقابل منتقل‌الیه مسئول نیست و در واقع شخص اخیر قائم مقام انتقال‌دهنده در وصول مبلغ سند از دیگر امضاکنندگان طبق شرایط قانونی می‌گردد، به عبارت دیگر دارنده سند در این فرض، حقوقی بیشتر از انتقال‌دهنده به دست نمی‌آورد در حالی که در ظهرنویسی و انتقال تجاری منتقل‌الیه دارای حقوقی بیش از حقوق ظهرنویس می‌گردد. به این معنا که با ظهرنویسی اخیر ظهرنویس نیز تحت شرایط قانونی با دیگر امضاکنندگان سند در مقابل آخرین دارنده، مسئولیت تضامنی پیدا می‌کند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که ظهرنویسی تجاری سند با مسئولیتی که برای ظهرنویس آن مقرر شده است تا چه زمانی امکان تحقق دارد؟ تا زمان سررسید سند یا تا زمان پس از آن و انجام واخواست یا انقضای مدت واخواست؟ سؤالی که پاسخ آن می‌تواند انتقال تجاری یا مدنی سند را به دنبال داشته باشد و حسب مورد آثار حقوقی متفاوتی را به وجود آورد.

قانون تجارت ایران که جمعاً چهار ماده (مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸) را به موضوع ظهرنویسی اختصاص داده است، حکمی در این مورد ندارد و حتی در ماده ۲۴۶ قید تاریخ ظهرنویسی را نیز ضروری ندانسته است در حالی که کنوانسیون‌های ژنو مصوب سال ۱۹۳۰ در مورد برات و سفته که ده ماده را به بحث ظهرنویسی اختصاص داده (مواد ۱۱ تا ۲۰) و نیز کنوانسیون ژنو مربوط به چک مصوب سال ۱۹۳۱ میلادی که یازده ماده را در موضوع ظهرنویسی چک بیان نموده است به سؤال فوق پاسخ داده و حکم آن را بیان نمودند. کنوانسیون آنسیترا ل مصوب سال ۱۹۸۸ میلادی در مورد بروات و سفته‌های بین‌المللی نیز در چهارده ماده به بیان احکام ظهرنویسی پرداخته است، ولی صراحتی در بیان حکم موضوع فوق ندارد. در عین حال می‌توان با استنباط از برخی مقررات به پاسخی شبیه آنچه در کنوانسیون‌های ژنو وجود دارد دست یافت.

ما در این مقاله با مراجعه به نظرات حقوق‌دان‌ها و کنوانسیون‌های یادشده به دنبال بررسی و تحلیل موضوع و یافتن پاسخی موجه برای سؤال فوق هستیم تا بتوانیم ضمن بیان راه حل، پیشنهادی نیز در جهت اصلاح و تکمیل مقررات قانون تجارت در موضوع مورد بحث ارائه نماییم.

۱. مهلت ظهرنویسی سند تجاری در قانون تجارت ایران

همان گونه که بیان گردید قانون تجارت مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ در مبحث برات را به موضوع ظهرنویسی اختصاص داده است. مقررات این مواد که به موجب مواد ۳۰۹ و ۳۱۴ همین قانون در مورد سفته و چک نیز اعمال می‌شود، اشاره‌ای به مهلت ظهرنویسی تجاری سند ندارد و حتی در ماده ۲۴۶ قید

تاریخ در ظهرنویسی را اختیاری اعلام نموده است. الزامی نبودن قید تاریخ ظهرنویسی علاوه بر اینکه تشخیص اهلیت ظهرنویس را در موقع انتقال سند که یک عمل حقوقی محسوب می‌شود مشکل می‌سازد، زمان انتقال را هم با ابهام مواجه می‌کند. بدین ترتیب به اتکای مندرجات ظهرنویسی در صورتی که تاریخ آن ذکر نشده باشد، نمی‌توان تشخیص داد که آیا سند قبل از سررسید ظهرنویسی و انتقال داده شده یا پس از سررسید. بدیهی است اگر تاریخ در ظهرنویسی قید گردد باید واقعی باشد، زیرا ماده ۲۴۸ ذکر تاریخ مقدم را در ظهرنویسی ممنوع اعلام نموده و ظهرنویس را مزور شناخته است. حال سؤال این است که با توجه به مقررات مذکور آیا می‌توان سند را پس از سررسید مورد ظهرنویسی قرار داد و چنانچه پاسخ مثبت فرض شود تا چه زمانی پس از سررسید این انتقال، تجاری محسوب می‌شود، قبل از انقضای مهلت قانونی و اخواست و یا حتی پس از آن؟ نویسندگان حقوقی پاسخ‌های متفاوتی به این سؤالات داده‌اند: برخی چنین اظهارنظر کردند: «به موجب اغلب قوانین در صورتی دارنده برات می‌تواند از مزایای برات استفاده کند که برات قبل از سررسید به او منتقل شده باشد. کسی که براتی را که پرداخت نشده بعد از سررسید قبول می‌کند عالم به متزلزل بودن برات بوده و چنین انتقالی مانند انتقال طلب عادی تلقی می‌شود.» (ستوده تهرانی، ۱۳۸۶: ۶۰) همچنین در تأیید این نظر گفته شده است که هر چند قانون تجارت در مورد ظهرنویسی پس از سررسید ساکت است ولی علی‌القاعده باید قبل از سررسید سند انجام شود (اخلاقی، ۱۳۷۰: ۱۱۶). بعضی هم گفته‌اند سند تجاری حتی پس از عدم پرداخت و اخواست قابل ظهرنویسی است. زیرا اخواست شدن سند تجاری قابلیت نقل و انتقال آن را سلب نمی‌کند، چراکه دارنده سند تجاری می‌تواند همچنان علیه متعهدین این سند طرح دعوا نماید. (توکلی، ۱۳۹۲: ۲۰) در همین راستا و در تأیید این نظر گفته شده است که در حقوق ایران ظهرنویسی بعد از اعتراض توسط قانون‌گذار منع نشده است، لذا طبق عرف و عادت تجاری انتقال سند تجاری بعد از اعتراض هم صحیح است (اسکینی، ۱۳۷۶: ۹۴). بعضی دیگر بر این عقیده‌اند که می‌توان سند را تا روز اقدام و اعتراض، ظهرنویسی کرد زیرا دلیلی وجود ندارد که دارنده برات در فاصله تاریخ تأدیه وجه برات و تاریخ اعتراض نتواند برات را با ظهرنویسی انتقال دهد (خزایی، ۱۳۸۵: ۹۲). حال باید دید کدام‌یک از سه نظر فوق با اصول و مبانی حاکم بر اسناد تجاری مطابقت بیشتری دارد.

۱-۱. نقد و بررسی نظریه‌ها

نظریه اول که ظهرنویسی تجاری سند را محدود به انجام آن قبل از سررسید نموده و انتقال بعد از سررسید را به دلیل عالم بودن دارنده سند به متزلزل بودن آن، انتقال طلب مدنی تلقی می‌نمود با این اشکال مواجه است که هیچ دلیل قانونی مبنی بر بی‌اعتباری انتقال تجاری آن بعد از سررسید

وجود ندارد. چراکه وفق مقررات قانون تجارت دارنده سند در صورتی که بتواند در موعد مقرر نسبت به انجام و اخواست آن اقدام نموده و در مهلت قانونی اقامه دعوا نماید حقی از او در اعمال تمامی حقوق ناشی از سند اعم از استفاده از مسئولیت تضامنی علیه امضاکنندگان و یا تقاضای تأمین خواسته بدون واریز خسارت احتمالی تضییع نخواهد شد. وانگهی مطالبه وجه در روز وعده به وسیله دارنده سند که در ماده ۲۷۹ قانون تجارت مورد تصریح قرار گرفته از جهت الزامی بودن مطالبه در روز وعده فاقد ضمانت اجرا می باشد. به عبارت دیگر اگر آخرین دارنده سند بعد از سررسید و تا قبل از انقضای مهلت و اخواست وجه را مطالبه کند و در صورت عدم پرداخت، و اخواست را در مهلت مقرر انجام دهد حقی از او در مراجعه به امضاکنندگان سند حتی آخرین ظهنرویس که ظهنروسی او بعد از وعده صورت گرفته سلب نخواهد شد. ماده ۲۴۹ قانون تجارت که مهم ترین ماده در بیان مسئولیت تضامنی امضاکنندگان سند است، اعمال این امتیاز را منوط به عدم تأدیه مبلغ برات و انجام و اخواست نموده است. مهلت و اخواست یا اعتراض عدم تأدیه نیز مطابق ماده ۲۸۰ قانون مذکور ظرف ده روز از سررسید می باشد. بنابراین اگر دارنده برات در سررسید وجه را مطالبه ننماید و مثلاً هشت روز پس از آن وجه را مطالبه کرده و با عدم پرداخت مواجه شود، می تواند در مهلت باقیمانده برات را و اخواست کند و با اقامه دعوا در مهلت های مقرر از امتیازات سند بهره مند گردد. در مورد قبول تقاضای تأمین خواسته بدون واریز خسارت احتمالی ماده ۲۹۲ مقرر داشته است که پس از اقامه دعوا محکمه مکلف است به مجرد تقاضای دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است، معادل وجه برات را از اموال مدعی علیه به عنوان تأمین توقیف نماید. در این ماده اعمال حق مزبور منوط به اقامه دعوا و و اخواست سند گردیده است. البته روشن است که اقامه دعوا باید در مهلت های مقرر مذکور در مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ صورت گرفته و و اخواست نیز در مهلت مقرر یاد شده در ماده ۲۸۰ انجام شده باشد. نباید تصور شود که چون در ماده ۲۹۲ اقامه دعوا و و اخواست سند به صورت مطلق ذکر شده و مقید به مهلت معینی نگردیده است، پس صرف اقامه دعوا و و اخواست در هر زمانی که صورت گرفته باشد کفایت می کند، زیرا ماده ۲۹۲ مؤخر بر مواد ۲۸۰، ۲۸۶ و ۲۸۷ بوده و تماماً در مبحث نهم و ذیل عنوان حقوق و وظایف دارنده برات ذکر شده است. بنابراین واضح است که اقامه دعوا و و اخواست مذکور در ماده ۲۹۲ معطوف و ناظر به اقامه دعوا و و اخواست در مهلت های مقرر یاد شده در مواد قبل می باشد.^۱ وانگهی ماده اخیرالذکر که امتیازی برای دعاوی

۱. بعضی از نویسندگان حقوقی علی رغم وجود نظریه های مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه معتقدند چون هیچ یک از دو ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی و ۲۹۲ قانون تجارت تأمین وجه برات و اخواست شده از اموال خوانده را منوط

برواتی محسوب می‌شود قاعداً باید موکول به انجام وظایف خاص توسط دارنده سند باشد که عبارت از همان رعایت مهلت‌های مقرر و اخواست و اقامه دعوا می‌باشد.

بنابراین و با توجه به آنچه گفته شد نمی‌توان این نظریه را پذیرفت. هرچند ممکن است عرفاً سندی که در سررسید، مبلغ آن وصول نگردیده است، سندی ضعیف در پرداخت تلقی شود. همچنین این موضوع که علی‌القاعده باید ظهنویسی قبل از سررسید سند انجام شود هرچند به طور معمول ظهنویسی‌ها در همین زمان انجام می‌گیرد، ولی به هر حال مستندی قانونی که دلالت بر الزامی بودن آن قبل از سررسید داشته باشد وجود ندارد.

نظریه دوم نیز که ظهنویسی سند را پس از عدم پرداخت و حتی پس از واخواست آن صحیح می‌داند و معتقد است که واخواست شدن سند قابلیت نقل و انتقال آن را سلب نمی‌کند و دارنده همچنان می‌تواند علیه متعهدین آن طرح دعوا نماید با اشکال مواجه است. زیرا مسئله این نیست که ظهنویسی حتی بعد از واخواست سند به هیچ وجه امکان‌پذیر نمی‌باشد، بلکه بحث بر سر آن است که آیا این ظهنویسی، انتقال تجاری محسوب می‌شود یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا ظهنویسی که سند را بعد از انجام واخواست آن مورد انتقال قرار می‌دهد در صورت عدم پرداخت مانند دیگر امضاکنندگان، مسئول پرداخت می‌باشد یا خیر؟ به نظر می‌رسد هرچند ظهنویسی پس از سررسید و تا قبل از انقضای مهلت واخواست را می‌توان ظهنویسی تجاری قلمداد کرد، لیکن ظهنویسی پس از واخواست را باید ظهنویسی فاقد وصف تجاری و صرفاً انتقال طلب مدنی به حساب آورد زیرا با واخواست سند که در حکم اعتراض رسمی نسبت به عدم پرداخت مبلغ آن می‌باشد، حیات تجاری سند خاتمه می‌یابد و دارنده برای وصول مبلغ آن وارد مرحله جدید یعنی اجرای سند و استفاده از تضمینات آن با رعایت مقررات قانونی می‌گردد. بنابراین اگر در این مرحله دارنده، سند را به دیگری انتقال دهد این واگذاری انتقال عادی یا مدنی به حساب می‌آید و منتقل‌الیه جانشین ناقل در اعمال حقوق و وظایف او می‌گردد. بدیهی است در این حالت انتقال‌دهنده هیچ مسئولیتی در قبال انتقال‌گیرنده نسبت به پرداخت مبلغ نخواهد داشت و منتقل‌الیه به عنوان قائم‌مقام انتقال‌دهنده می‌تواند برای وصول مبلغ به کسانی رجوع نماید که انتقال‌دهنده حق مراجعه به آن‌ها داشته است. ازاین‌رو ظهنویسی پس از واخواست عدم تأدیه را نباید ظهنویسی واجد وصف تجاری به حساب

به واخواست آن در مهلت مقرر ننموده، رد درخواست تأمین خواسته به علت عدم واخواست برات در مهلت مقرر قابل دفاع نمی‌باشد، هرچند بخش قابل توجهی از دادگاه‌ها مؤید به نظریه‌های مشورتی به گونه دیگری عمل می‌کنند (شمس، ۳/۱۳۸۴: ۴۳۶ و ۴۳۷).

آورد. مخصوصاً زمانی که واخواست سند پس از مهلت مقرر قانونی انجام شده باشد که در این صورت مسئولیت تضامنی ظهرنویسان هم قبل از انتقال از بین رفته است.

اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی خود مورخ ۹۳/۰۸/۱۷ در موضوع مورد بحث، انتقال حقوق دارنده سند به شخص ثالث را پس از واخواست مشمول مقررات مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ قانون تجارت راجع به پرداخت برات به وسیله شخص ثالث دانسته است. (نظریه شماره ۱۹۲۸/۹۳/۷ مورخ ۹۳/۰۸/۱۷). صرف نظر از اشکالی که به این نظریه وارد است^۱ ولی یک نکته مهم و صحیح از آن استنباط می شود و آن این است که انتقال مزبور انتقال مدنی است به این معنا که انتقال دهنده هیچ مسئولیتی در پرداخت سند در قبال انتقال گیرنده ندارد و منتقل الیه چنانچه مبلغ سند را مثلاً از جانب یک ظهرنویس پرداخته باشد می تواند به آن ظهرنویس و همه امضاکنندگانی که در قبال ایشان مسئولند رجوع نماید (ماده ۲۷۲ قانون تجارت). بنابراین شخص ثالث پرداخت کننده قائم مقام و جانشین آخرین دارنده سند می گردد، کسی که سند را به نام خود واخواست نموده و به گردش تجاری آن خاتمه داده است. این همان نتیجه ای است که از انتقال مدنی حقوق متعلق به سند حاصل می شود.

نظریه سوم که قائل به امکان ظهرنویسی سند تا روز اقدام به اعتراض است با این توجیه که دلیلی قانونی بر منع انتقال در فاصله زمانی تاریخ تأدیه وجه تا تاریخ اعتراض وجود ندارد، صحیح به نظر می رسد؛ زیرا همان گونه که پیش تر گفته شده در این وضعیت همچنان امکان انجام وظایف قانونی که عبارت از مطالبه و عنداللزوم واخواست به موعدها است برای دارنده وجود دارد و با اقامه دعوا در مهلت های مقرر، مشارالیه می تواند تمامی حقوق متعلق به سند را اعمال نماید. این حکم اختصاص به برات ندارد، بلکه در مورد سفته و چک نیز به استناد مواد ۳۰۹ و ۳۱۴ قانون تجارت قابل اعمال است. در عین حال باید نکته ای به نظریه فوق اضافه شود و آن این است که اگر سند قبل از انقضای مهلت واخواست اعتراض شده باشد، ظهرنویسی پس از آن، جنبه تجاری نخواهد داشت و انتقال عادی محسوب می شود. زیرا در این حالت دلیلی وجود ندارد که ظهرنویس اخیر مانند دیگر امضاکنندگان سند مسئول تضامنی پرداخت باشد. در واقع مشارالیه پس از واخواست سند حقوق و وظایف تثبیت شده خود را به دارنده جدید انتقال داده و گردش تجاری سند نیز خاتمه یافته است.

۱. اشکال این است که انتقال سند تجاری پس از واخواست همیشه در قالب پرداخت به وسیله شخص ثالث صورت نمی گیرد به این معنا که ممکن است انتقال گیرنده سند اساساً مبلغ آن را نقداً به دارنده نپردازد. به عنوان مثال دارنده می تواند بدون دریافت مبلغ و بر اساس روابط قبلی خود با منتقل الیه، سند را به او واگذار نماید. به علاوه در پرداخت به وسیله شخص ثالث آنچه در درجه اول اهمیت است، پرداخت مبلغ سند به وسیله ثالث از طرف یکی از مسئولان سند می باشد نه انتقال سند که به تبع آن صورت می گیرد؛ پس نمی توان حکم کلی در این مورد صادر کرد.

در مورد بروات به رؤیت یا به وعده از رؤیت و نیز سفته عندالمطالبه هرچند سررسید معینی وجود ندارد، اما وفق مواد ۲۷۴ تا ۲۷۸ قانون تجارت چنانچه مهلت کمتر یا بیشتری توسط برات‌کش، متعهد سفته و یا ظهرنویسان مقرر نشده باشد، دارنده باید ظرف یک سال از تاریخ صدور برات یا سفته، قبولی یا پرداخت آن را از برات‌گیر یا متعهد مطالبه نماید. در مورد برات به وعده از رؤیت دارنده باید ظرف مهلت یاد شده قبولی برات را از برات‌گیر تقاضا کند. در صورت قبولی برات‌گیر ابتدای مدت مقرر در برات از فردای روز رؤیت و قبولی بر مبنای تاریخ قبولی شروع و انتهای آن سررسید برات محسوب می‌شود. در صورتی که قبولی بدون درج تاریخ انجام شده باشد تاریخ صدور برات تاریخ قبولی محسوب می‌شود (مواد ۲۲۸، ۲۴۳ و ۲۵۵ قانون تجارت). حال چنانچه سند در آخرین روز مهلت پرداخت نگردد، دارنده موظف است مطابق ماده ۲۸۰ ظرف ده روز از پایان مهلت مزبور اقدام به واخواست نماید. پس حداکثر مدتی که برات به رؤیت یا سفته عندالمطالبه باید واخواست شود، یک سال و ده روز از تاریخ صدور خواهد بود. بنابراین می‌توان این اسناد را تا قبل از پایان مهلت واخواست مورد ظهرنویسی تجاری قرار داد مگر اینکه قبل از انقضای مدت مزبور سند توسط دارنده مطالبه و با عدم پرداخت آن، اعتراض عدم تأدیه صورت گرفته باشد. اما نسبت به چک مهلتی که می‌تواند در ظرف آن ظهرنویسی تجاری صورت گیرد متفاوت است. زیرا اولاً در این سند برخلاف برات و سفته یک تاریخ بیشتر وجود ندارد و آن تاریخ صدور است (ماده ۳۱۱ قانون تجارت). در واقع قانون‌گذار تاریخ صدور و سررسید چک را تاریخ واحدی فرض کرده است. پس می‌توان چک را از این جهت برات به رؤیت به حساب آورد. البته لازم به ذکر است که مطابق مواد ۳ و ۱۳ قانون صدور چک، ممکن است چک به صورت وعده‌دار صادر شده باشد به این معنا که اثبات شود تاریخ واقعی صدور قبل از تاریخ مندرج در چک می‌باشد. با وجود این فرض بر آن است که چک، وعده‌دار نیست مگر اینکه مدعی بتواند خلاف آن را اثبات نماید. ثانیاً مهلت مراجعه به بانک محال‌علیه از جهت حفظ مسئولیت تضامنی ظهرنویسان در صورت عدم پرداخت سند با آنچه در مورد برات و سفته ذکر شد، متفاوت است. مطابق مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت حسب مورد این مهلت ظرف پانزده روز، چهل و پنج روز و چهار ماه از تاریخ چک می‌باشد. چنانچه دارنده چک با مراجعه به بانک ظرف مهلت‌های یاد شده با عدم پرداخت چک یا کسر موجودی آن مواجه شود می‌تواند تقاضای صدور گواهی عدم پرداخت نماید. وفق ماده ۳۱۵ اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده (و نیز ماده ۳۱۷) پرداخت وجه آن را مطالبه نکند، دیگر دعوای او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود. بنابراین در چک ظهرنویسی تجاری آن از تاریخ تنظیم و

صدور تا قبل از انقضای مهلت‌های یاد شده می‌باشد مگر اینکه قبل از اتمام این مهلت‌ها گواهی عدم پرداخت چک اخذ شده باشد که در این صورت انتقال پس از آن جنبه مدنی خواهد داشت.

۱-۲. آثار حقوقی ظهرنویسی تجاری سند

در انتقال تجاری، ظهرنویس دارای حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های پیش‌بینی شده در قانون تجارت است همچنان که دارنده نیز دارای حقوق و متقابلاً وظایف قانونی برای حفظ و اعمال این حقوق می‌باشد. مطابق ماده ۲۴۹ قانون تجارت: «برات دهنده، کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند به هرکدام از آن‌ها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آن‌ها مجتمعاً رجوع نماید. همین حق را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به برات‌دهنده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد...». البته اعمال حق مزبور علاوه بر وخواست سند در مهلت مقرر منوط به رعایت مهلت‌های یک سال و دو سال مقید در مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت برای اقامه دعوی می‌باشد. در همین رابطه ماده ۲۸۹ مقرر می‌دارد: «پس از انقضای مواعد مقرر در مواد فوق دعوای دارنده برات بر ظهرنویس‌ها و همچنین و دعوای هر یک از ظهرنویس‌ها بر ید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد». بنابراین آنچه در این بحث بیشتر مورد تأکید است مسئولیت ظهرنویس در برابر دارنده سند می‌باشد. اگر ظهرنویسی مشمول مقررات قانون تجارت نباشد، ظهرنویس در مقابل دارنده و منتقل‌الیه مسئولیتی در پرداخت مبلغ سند ندارد. زیرا طلب مندرج در سند که متعلق به دارنده می‌باشد با ظهرنویسی ایشان به منتقل‌الیه یعنی دارنده جدید سند انتقال می‌یابد و مشارالیه قائم مقام ظهرنویس در وصول آن می‌گردد. ازاین‌رو در صورتی که ظهرنویس با عدم انجام وظایف قانونی در مهلت‌های مقرر حق رجوع خود را به ظهرنویسان قبل از خود از دست داده باشد، دارنده جدید سند نیز حق رجوع به سایر ظهرنویسان را ندارد. در انتقال طلب منتقل‌الیه دارای حقی بیش از آنچه ناقل داشته است، نمی‌گردد و در وضعیت بهتری نسبت به او قرار نمی‌گیرد. همچنین در انتقال طلب باید بپذیریم که هر ایرادی که مدیون می‌تواند در برابر انتقال‌دهنده طلب عنوان کند، در برابر انتقال‌گیرنده نیز می‌تواند مطرح نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۱۱۰-۱۰۷؛ عبدی‌پورفرد، ۱۳۹۲، ۳۳). مثلاً اگر ثابت شود که اساساً دینی وجود نداشته و یا به سببی از بین رفته است این ایراد در مقابل انتقال‌گیرنده مسموع است. این در حالی است که در انتقال و ظهرنویسی تجاری سند هم منتقل‌الیه دارای حقی بیش از ظهرنویس می‌گردد، چراکه به او نیز تحت شرایط قانونی حق رجوع برای دریافت مبلغ پیدا می‌کند و هم ایرادی که مثلاً ظهرنویس ماقبل ظهرنویسی آخر می‌توانست در مقابل ظهرنویس اخیر مطرح نماید در مقابل دارنده با حسن نیت سند ایراد مزبور قابلیت استماع ندارد. اما علت اینکه چرا دارنده جدید سند دارای حقی بیشتر از ظهرنویس می‌گردد، آن است که باید امضای سند تجاری

را تحت هر عنوانی که صورت گرفته است (به جز نکولی در برات) موجب تعهدی مستقل و یا به عبارت دیگر تعهدی براتی به حساب آورد و این حکمی است که قانون‌گذار در جهت حمایت از دارنده و برای ایجاد اعتماد و اعتبار بیشتر سند وضع نموده است تا این سند بتواند در جهت تسهیل معاملات به عنوان پول تجار بین آن‌ها گردش نموده و با افزایش اعتبار مورد استفاده قرار گیرد. همین توجیه نسبت به اصل «عدم تأثیر یا توجه ایرادات» نیز وجود دارد و قانون‌گذار دارنده با حسن نیت سند را مورد حمایت و مستحق دریافت مبلغ آن قرار داده است. البته در صورتی که دارنده، با سوءنیت باشد یعنی با علم و آگاهی از اینکه مثلاً معامله پایه‌ای که سند مبتنی بر آن صادر و یا مورد انتقال قرار گرفته فسخ شده یا باطل بوده است، آن را تحصیل کرده باشد، حق دریافت مبلغ سند را ندارد و باید ایراد مزبور را بپذیرد.

۲. مهلت ظهرنویسی تجاری سند در کنوانسیون‌های ژنو

کنوانسیون‌های ژنو شامل کنوانسیون‌های مربوط به بروات و سفته‌ها مصوب سال ۱۹۳۰ و کنوانسیون‌های مربوط به چک مصوب سال ۱۹۳۱ میلادی می‌باشد. در ضمیمه اول کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل بروات و سفته‌ها ده ماده به بحث ظهرنویسی برات اختصاص یافته که این مقررات به استناد ماده ۷۷ آن در مورد سفته نیز لازم‌الاجرا می‌باشد. همچنین در ضمیمه اول کنوانسیون مربوط به قانون متحدالشکل ژنو راجع به چک یازده ماده به موضوع ظهرنویسی در چک اختصاص یافته است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این قوانین برخلاف قانون تجارت ایران موضوع ظهرنویسی این اسناد با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار گرفته است. از میان مقررات متحدالشکل موادی به مهلت ظهرنویسی این اسناد اشاره دارد که ذیلاً بیان می‌گردد:

۲-۱. مهلت ظهرنویسی در برات و سفته

ماده ۲۰ ضمیمه اول قانون متحدالشکل بروات و سفته‌ها مقرر می‌دارد: «ظهرنویسی بعد از سررسید واجد همان آثار ظهرنویسی قبل از موعد است. مع ذلک ظهرنویسی بعد از اعتراض عدم تأدیه یا پس از اتمام مهلت انجام آن تنها اعتبار یک انتقال طلب ساده را دارد. در صورت عدم اثبات خلاف، ظهرنویسی بدون تاریخ، ظهرنویسی قبل از پایان مهلت انجام عدم تأدیه محسوب می‌شود» (رمضانی، ۱۳۹۴: ۱۹-۲۰) به طوری که ملاحظه می‌شود ظهرنویسی بروات و سفته‌ها در قانون یک‌نواخت مورد بحث اختصاص به قبل از سررسید آن‌ها ندارد و ظهرنویسی پس از سررسید نیز تا انجام اعتراض عدم

1. An endorsement after maturity has the same effects as an endorsement before maturity. Nevertheless an endorsement after protest for non-payment, or after the expiration of the limit of time fixed for drawing up the protest, operates only as an ordinary assignment. Failing proof of the contrary, an endorsement without date is deemed to have been placed on the bill before the expiration of the limit of time fixed for drawing up the protest (Jus. uio. no/Lm/bills of exchange and promissory notes convention 1930/portrait.pdf).

تأدیه و یا تا قبل از انقضای مهلت انجام این اعتراض واجد همان آثار ظهرنویسی قبل از سررسید است. همچنین در صورتی که تاریخ در ظهرنویسی قید نگردد، باید ظهرنویسی را قبل از انقضای مهلت انجام و اخواست محسوب کرد مگر اینکه دلیلی برخلاف آن وجود داشته باشد (صقری، ۱۳۸۰، ۱۴۸-۱۴۷). به نظر می رسد دلیل این حکم آن است که قانونگذار خواسته است تا حد ممکن و در موارد تردید از دارنده سند حمایت کند و امتیازات سند تجاری را تماماً برای او محفوظ نگه دارد.^۱

مطابق ماده ۴۴ قانون متحدالشکل عدم پرداخت برات یا سفته باید از طریق رسمی یعنی و اخواست عدم تأدیه محرز گردد. مهلت انجام و اخواست نیز در مورد بروات قابل پرداخت در روز معین یا به وعده از تاریخ صدور سند یا به وعده از تاریخ رؤیت باید در یکی از دو روز غیر تعطیل بعد از روز تأدیه یا سررسید انجام شود. در مورد براتی که به رؤیت قابل پرداخت است، اعتراض نکول باید مطابق شرایط مصرح در بند فوق به عمل آید (رمضانی، ۱۳۹۴: ۳۷ و ۳۸). منظور از بند فوق مقرره‌ای در ماده مذکور است که بیان می‌دارد اعتراض نکولی باید ظرف مهلت مقرر انجام شود. این مهلت وفق ماده ۳۴ این قانون در مورد مطالبه مبلغ بروات بی‌وعده یا به رؤیت ظرف یک سال از تاریخ صدور آن تعیین شده است، مگر اینکه برات کش یا ظهرنویسان مدت کمتر یا بیشتری را تعیین نموده باشند. بنابراین در این نوع از برات باید دارنده ظرف یک سال از تاریخ سند چنانچه مدت کمتر یا بیشتری تعیین نشده باشد، به برات گیر مراجعه نموده و مبلغ را مطالبه نماید. در صورت نکول برات گیر دارنده می‌بایست ظرف همین مهلت برات را و اخواست کند. همچنین واضعین کنوانسیون در ماده ۴۴ مورد بحث جهت حمایت از دارنده برات به رؤیت مقرر کردند که اگر نخستین ارائه سند به برات گیر در آخرین روز مهلت یک‌ساله فوق به عمل آمده باشد وی می‌تواند روز بعد از ارائه سند نیز اقدام به و اخواست عدم قبولی بنماید. علت این حکم آن است که در بند اول ماده ۲۴ قانون مورد بحث مقرر گردیده که برات گیر می‌تواند از دارنده برات بخواهد که سند را فردای روز پس از رؤیت مجدداً به وی ارائه نماید. بنابراین چون ارائه دوم یک روز پس از آخرین روز مهلت ارائه به تجویز ماده ۲۴ امکان انجام دارد، از این رو تنظیم و اخواست می‌تواند یک روز پس از اتمام مهلت یک‌ساله انجام شود. نکته قابل ذکر آن است که مهلت ارائه برات به وعده از رؤیت نیز همانند مهلت برات به رؤیت ظرف یک سال از تاریخ صدور آن به برات گیر می‌باشد. زیرا این مهلت ویژگی مشترک این دو نوع برات محسوب می‌شود.

۱. مطابق ماده ۳۶ قانون بروات انگلیس مصوب ۱۸۸۲، به جز در موردی که ظهرنویسی برات بعد از سررسید انجام شده است فرض بر این است که هرگونه انتقال و ظهرنویسی قبل از سررسید سند صورت گرفته است (Legislation.gov.uk/ukpg; Dobson, Paul. Op Cit: 511).

آنچه از رعایت مهلت‌های مربوط به ارائه برات یا انجام واخواست آن گفته شد مربوط به وضعیت عادی بود، اما در وضعیت فورس مازور و بروز مانعی غیرقابل اجتناب مهلت‌های یادشده تا رفع مانع افزایش می‌یابد. دارنده موظف است بدون فوت وقت قوه قاهره را به ظهنویس ماقبل خود اطلاع دهد. چنانچه قوه قاهره بیش از سی روز پس از سررسید ادامه یابد، بدون اینکه نیازی به ارائه و یا انجام اعتراض باشد حق رجوع قابل‌اعمال خواهد بود (ماده ۵۴ کنوانسیون). مقررات فوق درخصوص مهلت‌ها و قوه قاهره به استناد ماده ۷۷ کنوانسیون در مورد سفته نیز اجرا می‌شود.

بنابر آنچه گفته شد در قانون یکنواخت ژنوراجع به بروات و سفته‌ها مهلت ظهنویسی تجاری سند تا انجام واخواست یا تا قبل از انقضای مهلت واخواست یعنی دو روز کاری بعد از سررسید در مورد بروات با سررسید معین یا به وعده از تاریخ صدور و یا به وعده از تاریخ رؤیت است و در مورد بروات به رؤیت نیز یک سال از تاریخ صدور برات و چنانچه برات در آخرین روز مهلت مذکور به برات‌گیر ارائه شده و او تقاضای ارائه مجدد نموده باشد، یک روز پس از یک سال مقرر خواهد بود. در غیر این صورت ظهنویسی سند انتقال عادی محسوب شده و تابع مقررات این قانون نمی‌باشد.^۱ مورد مشابه دیگر که قانون‌گذار در ماده ۱۱ به انتقال عادی سند اشاره کرده است، زمانی است که برات‌کش عبارت «بدون حواله‌کرد» یا مشابه آن را در متن برات قید نموده باشد که در این صورت نیز انتقال آن تنها به‌صورت انتقال عادی و با آثار مترتب بر این نوع انتقال امکان‌پذیر می‌باشد (رمضانی، ۱۳۹۴: ۱۳).

۲-۲. مهلت ظهنویسی در چک

وفق ماده ۲۴ ضمیمه اول قانون متحدالشکل ژنوراجع به چک «ظهنویسی بعد از تنظیم اعتراض‌نامه یا گواهی معادل آن یا پس از اتمام مهلت ارائه چک به بانک، تنها در حد یک انتقال ساده طلب مؤثر است. در صورت عدم اثبات خلاف، ظهنویسی بدون تاریخ، ظهنویسی قبل از تنظیم اعتراض‌نامه یا گواهی معادل آن یا پیش از اتمام مهلت مذکور محسوب می‌شود» (رمضانی، ۱۳۹۴: ۲۹).

۱. مطابق ماده ۳۶ قانون بروات انگلیس در صورتی که برات قابل انتقال باشد این قابلیت تا زمانی که سند مورد ظهنویسی محدودکننده قرار نگرفته و یا تا زمان تصفیه آن از طریق پرداخت مبلغ یا هر طریق دیگر ادامه پیدا می‌کند. در جایی که براتی سررسید گذشته مورد انتقال قرار می‌گیرد، هرگونه عیب [احتمالی] مربوط به مالکیت سند تا سررسید به منتقل‌الیه انتقال می‌یابد و از آن به بعد هر کس سند را تحویل بگیرد، نمی‌تواند حقی بیش از آنچه که ناقل داشته است، به دست آورد (Legislation.gov.uk/ukpg; Dobson, Paul, Op. Cit: 511). همچنین بر اساس ماده ۵۹ قانون اسناد قابل معامله مصوب ۱۸۸۱ دارنده سند قابل معامله که آن را بعد از نکول از قبولی یا نکول از پرداخت یا بعد از سررسید به دست آورده است فقط در مقابل طرف‌های دیگر می‌تواند حقوقی را که انتقال‌دهنده داشته است، اعمال نماید (Legislative.gov.in./sites/default/files/1881-26pdf).

چنانکه ملاحظه می‌گردد قانون یکنواخت ژنو در مورد چک مهلت ظهرنویسی تجاری این سند را تا حدود زیادی همانند برات و سفته تعیین نموده است. بر این اساس چنانچه چک پس از تاریخ مندرج در آن ظهرنویسی شود به شرط آنکه بعد از تنظیم اعتراض‌نامه (گواهینامه عدم تأدیه صادره از بانک محال‌علیه) نباشد و یا بعد از اتمام مهلت ارائه چک به بانک یا به عبارت دیگر پس از مهلت اخذ گواهی عدم پرداخت از بانک نباشد، انتقال تجاری محسوب شده و مشمول مقررات قانون مزبور است؛ در غیر این صورت انتقال طلب یا انتقال عادی به حساب می‌آید و خارج از مقررات قانون مورد بحث خواهد بود.

نکته قابل توجه در مقرر فوق مهلت ارائه چک به بانک و صدور گواهی عدم پرداخت می‌باشد. این مهلت در ماده ۲۹ قانون مذکور تعیین شده است. مطابق این ماده چنانچه محل صدور و محل پرداخت چک در یک کشور باشد ذی‌نفع باید آن را ظرف هشت روز از تاریخ صدور به بانک محال‌علیه جهت پرداخت ارائه کند و در صورتی که محل صدور و محل پرداخت در دو کشور واقع در یک قاره باشد، ظرف بیست روز و اگر این دو کشور در دو قاره از جهان واقع شده باشند، ظرف هفتاد روز به بانک ارائه شود و در صورت عدم پرداخت گواهینامه مربوط صادر گردد. بنابراین گواهی عدم پرداخت باید قبل از انقضای مهلت‌های مزبور اخذ گردد. در عین حال تنها استثنای وارد بر این حکم زمانی است که چک در آخرین روز مهلت‌های یادشده به بانک ارائه شود که در این صورت گواهینامه عدم پرداخت می‌تواند در اولین روز کاری بعد تنظیم گردد (ماده ۴۱ قانون یکنواخت ژنو در مورد چک).

آنچه از مهلت‌های ارائه چک به بانک و صدور گواهی عدم پرداخت گفته شد، مربوط به وضعیت عادی و امکان انجام این تکالیف در مواعد مقرر است. اما چنانچه حالت فورس ماژور بروز نماید وضعیت متفاوت خواهد بود. وفق ماده ۴۸ قانون فوق‌الذکر چنانچه ارائه چک یا صدور گواهی عدم پرداخت در مهلت‌های مقرر به واسطه مانعی غیرقابل اجتناب مانند عوامل قهری یا فورس ماژور متعذر گردد مهلت‌های مقرر تارفع فورس ماژور افزایش می‌یابد. در این صورت به محض رفع حالت فورس ماژور ذی‌نفع باید بدون تأخیر، چک را جهت پرداخت ارائه و در صورت لزوم صدور گواهی عدم پرداخت آن را از بانک محال‌علیه تقاضا نماید. در عین حال چنانچه قوه قاهره بیش از پانزده روز از تاریخی که ذی‌نفع قبل از انقضای مهلت ارائه چک، این موضوع را به آخرین ظهرنویس اطلاع داده است ادامه پیدا کند، حق رجوع او به امضاکنندگان بدون اینکه نیازی به ارائه چک یا تنظیم گواهی عدم پرداخت باشد قابل اعمال خواهد بود (رمضانی، ۱۳۹۴: ۴۹).

۳. مهلت ظهرنویسی تجاری بروات و سفته‌های بین‌المللی در کنوانسیون آنسیترال^۱

طبق ماده ۲۴ کنوانسیون، برات و سفته می‌تواند پس از سررسید به جز توسط برات‌گیر، قبول‌کننده یا متعهد به دیگری انتقال داده شود^۲ (رمضانی، ۱۳۹۴، ۳۲) در این ماده و در مواد دیگر این کنوانسیون به این نکته اشاره نشده است که ظهرنویسی پس از سررسید انتقال تجاری محسوب می‌شود یا انتقال عادی و ساده طلب. با وجود این می‌توان از برخی مواد که ذیلاً بیان می‌گردد، چنین استنباط کرد که اگر ظهرنویسی سند پس از سررسید و انقضای مهلت و اخواست عدم تأدیه صورت گرفته باشد، انتقال مدنی محسوب شده و ظهرنویس مسئول پرداخت سند نمی‌باشد. مطابق ماده ۶۳ کنوانسیون^۳ چنانچه و اخواست سند به علت امتناع از تأدیه صحیحاً و بموقع صورت نگرفته باشد برات‌کش، ظهرنویس و ضامنین آن‌ها نسبت به آن سند مسئول نمی‌باشند، ولی قبول‌کننده، متعهد و ضامنین آن‌ها یا ضامن برات‌گیر مسئول پرداخت خواهند بود. مهلت انجام و اخواست نیز نهایتاً تا ۴ روز کاری بعد از مطالبه و عدم پرداخت سند می‌باشد (ماده ۶۱ کنوانسیون) چنانچه سند قابل پرداخت به رؤیت باشد، باید ظرف یک‌سال از تاریخ صدور یا نهایتاً در روز اداری پس از آن مطالبه شود (ماده ۵۵ کنوانسیون) و اگر سند به تاریخ معینی در آینده و یا به وعده از صدور باشد، باید در روز وعده مطالبه گردد. بنابراین در صورتی که سند پس از سررسید و با انقضای مهلت و اخواست مورد ظهرنویسی قرار گیرد، انتقال تجاری محسوب نمی‌شود و منتقل‌الیه حق رجوع به هیچ‌یک از ظهرنویسان را ندارد و فقط می‌تواند به جانشینی از انتقال‌دهنده به دیگر مسئولان سند مانند متعهد سفته و ضامن او رجوع نماید. ولی چنانچه سند پس از سررسید ولی قبل از انقضای مدت و اخواست ظهرنویسی شود، انتقال تجاری محسوب می‌شود. زیرا با فرض مطالبه سند در سررسید و عدم

1. UNCITRAL: (United Nations commission on international trade law).

آنسیترال مخفف کمیسیون سازمان ملل متحد برای حقوق تجارت بین‌الملل است. این کمیسیون در کنار اسناد تجاری موجود و مقررات بین‌المللی حاکم بر آن‌ها تلاش در ایجاد طبقه جدیدی از اسناد تجاری بین‌المللی و یک قانون متحدالشکل بین‌المللی دیگر دارد. کمیسیون مذکور برای این مقررات نوین حاکم بر اسناد تجاری، وصف منحصرأ بین‌المللی با جنبه اختیاری قائل شده است (اخلاقی، ۱۳۶۹: ۹۵). لازم به ذکر است مطابق ماده ۱ کنوانسیون آنسیترال مقررات این پیمان فقط در مورد برات و سفته بین‌المللی قابلیت اجرا دارد و در مورد چک قابل اعمال نیست.

2. An instrument may be transferred in accordance with article 13 after maturity, except by the drawee, the acceptor or the maker. (jus.uio.no/Lm/un. bills of exchange and promissory notes convention/1988/doc.html).

3. If an instrument which must be protested for non-acceptance or for non-payment is not duly protested, the drawer, the endorsers and their guarantors are not liable on it. Failure to protest an instrument does not discharge the acceptor, the maker and their guarantors or the guarantor of the drawee of liability on it. (jus.uio.no/Lm/un. bills of exchange and promissory notes convention/1988/doc.html).

پرداخت، دارنده جدید می‌تواند در مهلت مقرر مربوط به تنظیم و اخواست نسبت به این امر اقدام نموده و از مسئولیت تضامنی امضاکنندگان و از جمله ظهرنویسان بهره‌مند گردد.

لازم به ذکر است که در مواردی ممکن است انجام و اخواست با تأخیر موجهی صورت پذیرد. مطابق بند یک ماده ۶۲ کنوانسیون ممکن است دارنده سند به علت اوضاع و احوال خارج از اراده خود که امکان دوری یا غلبه بر آن وجود ندارد، مانند فورس ماژور نتواند در مهلت مقرر نسبت به تنظیم و اخواست اقدام نماید که در این صورت موظف است به محض برطرف شدن مانع سند را و اخواست کند. در این فرض به نظر می‌رسد چنانچه قبل از رفع مانع، سند مورد ظهرنویسی قرار گیرد، ظهرنویسی تجاری است، ولی اگر بعد از رفع مانع و مهلت معقول جهت و اخواست ظهرنویسی انجام شود، این انتقال را باید انتقال عادی و غیرتجاری تلقی نمود.

مورد دیگری که مسئولیت برات‌کش، ظهرنویسان و ضامنین آن‌ها منتفی می‌گردد، مربوط به عدم ارائه بموقع سند جهت پرداخت می‌باشد. بر اساس ماده ۵۷ کنوانسیون چنانچه سندی صحیحاً و بموقع جهت پرداخت ارائه نگردد، مسئولیت امضاکنندگان یاد شده مرتفع می‌گردد؛ لیکن قبول‌کننده، متعهد سفته و ضامنین آن‌ها یا ضامن برات‌گیر از مسئولیت مبری نمی‌باشند (رمضانی، همان، ۷۵). بنابراین چنانچه سند بعد از سررسید ولی قبل از انقضای مهلت و اخواست مورد ظهرنویسی قرار گیرد، ولی بموقع جهت پرداخت حسب مورد به برات‌گیر، قبول‌کننده یا متعهد سفته ارائه نشده باشد، انتقال تجاری محسوب نمی‌شود، زیرا حق رجوع به انتقال‌دهنده، ظهرنویسان دیگر، برات‌کش و یا ضامنان آن‌ها وجود ندارد و در واقع انتقال‌گیرنده به قائم مقامی از ناقل فقط حق رجوع به مسئولان اصلی یعنی قبول‌کننده برات، متعهد سفته و ضامنین آن‌ها یا ضامن برات‌گیر را دارد. همچنین است در مواردی که دارنده موظف است نسبت به ارائه سند جهت قبولی اقدام نماید (بند ۲ ماده ۴۹ و ماده ۵۳ کنوانسیون) و در صورت نکول در مهلت مقرر و اخواست نکولی تنظیم کند^۱ در این مورد نیز چنانچه این اقدام به موقع صورت نگیرد، وفق ماده ۶۳، برات‌کش، ظهرنویسان و ضامنین آن‌ها نسبت به سند مسئول نمی‌باشند، هرچند قبول‌کننده، متعهد و ضامنین آن‌ها یا ضامن برات‌گیر حسب مورد مسئول پرداخت هستند. شایان ذکر است انتقال‌گیرنده سند در موارد فوق نمی‌تواند از اصل «عدم توجه ایرادات» بهره‌مند گردد، بلکه در مقابل ایراداتی که مسئولان پرداخت

۱. مطابق ماده ۶۱ کنوانسیون مهلت و اخواست عدم قبولی همانند و اخواست عدم تأدیه تا ۴ روز بعد از نکول یا عدم تأدیه می‌باشد.

در مقابل انتقال‌دهنده می‌توانستند مطرح کنند در مقابل انتقال‌گیرنده نیز می‌توانند به آن استناد نمایند (قسمت الف بند ۱ و بند ۳ ماده ۲۸، ماده ۳۰ و بند ۱ مواد ۵۷ و ۶۳ کنوانسیون).

نتیجه

مقررات قانون تجارت ایران در بحث ظهنرویی اسناد تجاری برخلاف کنوانسیون‌های ژنو و آنسیترا ناقص است و در مورد مهلت ظهنرویی تجاری این اسناد همانند برخی دیگر از موضوعات مربوط به ظهنرویی مثل ظهنرویی جزئی و یا ظهنرویی به‌عنوان وثیقه حکمی ندارد. در عین حال با توجه به نظرات نویسندگان حقوقی و با استنباط و تحلیلی که از سایر مواد قانونی مربوط صورت گرفت این نتیجه به دست آمد که به‌عنوان یک قاعده باید ظهنرویی در این اسناد را تجاری یعنی مشمول مقررات قانون تجارت به حساب آورد، مگر اینکه اثبات شود ظهنرویی، بعد از سررسید و پس از تنظیم و اخواست یا صدور گواهی عدم پرداخت و یا بعد از انقضای مهلت‌های و اخواست و صدور گواهی مزبور صورت گرفته است که در این حالت، انتقال واجد وصف تجاری نبوده و جنبه مدنی دارد به این معنا که منتقل‌الیه بدون اینکه حق رجوع به ناقل برای مطالبه مبلغ داشته باشد قائم مقام وی محسوب می‌شود و می‌تواند حقوقی را که مشارالیه داشته است، اعمال نماید.

همچنین در این حالت منتقل‌الیه نمی‌تواند با توسل به اصل «عدم توجه به ایرادات» از ایرادات احتمالی امضاکنندگان سند که در مقابل ناقل قابلیت استماع داشته است، مصون بماند. همین حکم با تصریح در مقررات کنوانسیون‌های ژنو راجع به برات، سفته و چک وجود دارد؛ ولی در کنوانسیون آنسیترا اگرچه این حکم قابل استنباط است، اما موارد دیگری نیز وجود دارد که مسئولیت تضامنی برخی امضاکنندگان از جمله ظهنرویسان سند منتفی می‌گردد. هرچند قبول‌کننده برات، متعهد سفته و ضامن برات‌گیر همچنان مسئول پرداخت باقی می‌مانند. بنابراین در این موارد هم باید قائل به انتقال مدنی سند باشیم زیرا اگر انتقال، تجاری باشد علاوه بر مسئولیت ظهنرویس یا ظهنرویسان به‌طور تضامنی در قبال دارنده سند وفق مقررات قانونی، اصل «عدم توجه ایرادات» هم حاکم بوده و امضاکنندگان سند نمی‌توانند در مقابل دارنده با حسن نیت به ایراداتی که بین خودشان (ایادی مستقیم سند) ممکن بود قابل طرح باشد، استناد نمایند.

در پایان پیشنهاد می‌گردد قانون‌گذار تجارت ایران با الهام از کنوانسیون‌های مذکور مقررات مربوط به ظهنرویی را به‌ویژه در موضوع مورد بحث تکمیل نماید، زیرا همان‌گونه که دیدیم آثار حقوقی مهمی بر این موضوع مترتب است و چون رویه قضایی مشخص و قابل‌اعتمادی هم در این موضوع وجود ندارد، اهمیت مسئله روشن‌تر می‌گردد.

منابع

فارسی

- اخلاقی، بهروز (۱۳۷۰)، جزوه حقوق تجارت ۳ (تقریرات)، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- اخلاقی، بهروز (۱۳۹۶)، «اسناد تجاری در قلمرو حقوق تجارت بین الملل»، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین الملل ج.ا.ا، شماره ۱۲، بهار و تابستان.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۷۶)، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار و...)، تهران: انتشارات سمت.
- توکلی، محمدمهدی (۱۳۹۲)، حقوق اسناد تجاری، تهران: انتشارات جاودانه.
- خزایی، حسین (۱۳۸۵)، حقوق تجارت (اسناد تجاری)، ج ۳، تهران: مؤسسه نشر قانون.
- رمضان، محمود (۱۳۹۴)، کنوانسیون های ژنو در مورد بروات و سفته ها (مترجم)، تهران: انتشارات چتر دانش.
- رمضان، محمود (۱۳۹۴)، کنوانسیون های ژنو در مورد چک (مترجم)، تهران: انتشارات چتر دانش.
- رمضان، محمود (۱۳۹۴)، کنوانسیون های آنسیترا ل در مورد بروات و سفته های بین المللی (مترجم)، تهران: انتشارات چتر دانش.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۶)، حقوق تجارت، ج ۳، تهران: انتشارات دادگستر.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۴)، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، تهران: انتشارات دراک.
- صقری، محمد (۱۳۸۰)، حقوق بازرگانی (اسناد)، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ اول.
- عبدی پور فرد، ابراهیم (۱۳۹۲)، مباحثی تحلیلی از حقوق تجارت، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، حقوق مدنی، ایقاع (نظریه عمومی-ایقاع معین)، تهران: نشر دادگستر.
- نیک فرجام، کمال (۱۳۹۱)، «رهن و وثیقه اسناد براتی در حقوق ایران و انگلیس»، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۵۷.

لاتین

- Dobson Paul, Charlesworth's Business Law' London' Sweet and Maxell Limited' 1997.
- Law. cornell' edu/ucc/3/3-201.
- legislative.gov.in/sites/default/files/1881-26pdf.
- Legislation.gov.uk/ukpg.
- Jus. uio. no/Lm/bills of exchange and promissory notes convention 1930/portrait.pdf.
- Jus.uio.no/English/services/library/treaties/09/9-03/Law cheques. Xml.
- jus.uio.no/Lm/un. bills of exchange and promissory notes convention/1988/doc.html.